

## درآمد ارزیابی در ترویج کشاورزی مبانی مفهومی، دسته‌بندی‌های منطقی و سویه‌های کارکردی

علی اسدی - استادیار دانشگاه تهران  
مهندس شریفی - کارشناس ارشد ترویج کشاورزی

### چکیده

ترویج کشاورزی همانند دیگر کنشگری‌های عقلایی نهادمند، فرآیندی پویا است و این پویایی می‌تواند همواره به عنوان کنشگر این حوزه بکوشیم تا پیوسته در پی بازنگری نقادانه در جهت معرفی موفقیت‌ها، بازنمایی دستاوردها در راستای پاسخگویی متعهدانه و نیز برطرف نمودن اشتباهات و نواقص محتمل برآیم و در پی اصلاح‌گری توأم با عمل باشیم، امید آنکه از این طریق اثربخشی و کارایی و در نتیجه بهره‌وری نظام ترویج کشاورزی در سطحی بهینه محقق گردد. با توجه به اهمیت ارزیابی در ترویج کشاورزی، در این مقاله تلاش شده است تا در ابتدا ضمن بیان مبانی و چارچوب مفهومی ارزیابی، دسته‌بندی‌های منطقی صورت گرفته از ارزیابی مناسب با زمینه مورد ارزیابی یعنی ترویج کشاورزی به طور مختصر مطرح شود و سویه‌های مرتبط با دسته‌بندی‌های به عمل آمده و نیز آرای اندیشمندان حوزه ارزیابی تبیین گردد. همچنین فرا ارزیابی به مثابه سویه‌ای جدید در ارزیابی، به طور مختصر مورد بحث قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: ترویج کشاورزی، ارزیابی، مدل‌های ارزیابی، فرا ارزیابی.

## مقدمه

ترویج به عنوان یکی از اصول زیربنایی توسعه روستایی همیشه در صدد تحول، تکامل و تعالی ارباب رجوع خود بوده است که این مهم را از طریق ایجاد یک نظام آموزشی غیر رسمی که دارای اصول، مبانی، اهداف و روش های اجرایی خاص خود می باشد، انجام می دهد. در همین راستا، همانند دیگر نظام های آموزشی مستلزم مطالعه و بررسی مستمر می باشد تا از نتایج و پیامدهای مستقیم و غیر مستقیم برنامه های خود در جهت تکامل اصول و مبانی برنامه ریزی و ارزشیابی آگاه شود. نظام آموزشی ترویج از طریق ارزشیابی برنامه های آموزشی - ترویجی خود می تواند نیازهای آموزشی ارباب رجوع و کمبودهای اطلاعاتی کارکنان خود را مشخص سازد و میزان تحقق اهداف اساسی ترویج را در برنامه های اجرا شده بررسی نماید. به منظور انجام یک ارزشیابی مناسب در سطوح مختلف برنامه، الگوها و مدل های متفاوتی ارائه شده است که مبنای اساس فعالیت های ارزشیابی را تشکیل می دهند. باید مدنظر قرار داد که استفاده از یک الگو به تنهایی نمی تواند اهداف یک فرآیند ارزشیابی را تحقق بخشد بلکه ترکیبی از مدل ها و الگوها با توجه به موقعیت و شرایط، مورد استفاده مطلوب قرار خواهند گرفت.

## مفاهیم، تعابیر و تعاریف ارزشیابی

اصطلاح "ارزشیابی" در لغت به مفهوم بررسی کردن و قضاوت فرد و تخمین ارزش، کیفیت، اهمیت، مقدار، میزان و شرایط یک پدیده برای درجه بندی، تسهیل، پیشرفت و یا تغییر است. به دلیل نسبی بودن این مفاهیم (ارزش، کیفیت، اهمیت و غیره)، ارزشیابی به معنی مقایسه موضوع تحت ارزشیابی با یک استاندارد کمی یا کیفی است که کیفیت آن برای ارزشیاب روشن می باشد. "ارزشیابی" اساسی برای قضاوت در مورد ارزش و اهمیت بوجود می آورد و در واقع داوری آگاهانه ای است درباره ارزش کارها، اندیشه ها، راه حل ها و روش ها برای هدفی معین و براساس ملاکی مشخص (حجازی، ۱۳۷۳).

پاتن (Patton, 1998) ارزشیابی را این گونه تعریف کرده است :

"ارزشیابی" مجموعه ای از اطلاعات نظام مند درباره فعالیت ها، ویژگی ها، نتایج، کارمندان و محصولات یک برنامه است که توسط افراد ویژه ای برای کاهش تردیدها، بهبود کارایی و تصمیم گیری درباره برنامه بکار می رود. "ساچمن"<sup>۲</sup> نیز ارزشیابی را عملی دانسته که به وسیله آن موفقیت یا عدم موفقیت برنامه را تعیین می کنند. سیف به نقل از گی<sup>۳</sup> (۱۹۹۴) تعریف جامع تری از ارزشیابی به شرح زیر به دست آورده است : "ارزشیابی" به یک فرآیند نظام دار (سیستماتیک) برای جمع آوری، تحلیل و تفسیر اطلاعات گفته می شود به این منظور که تعیین

1. Evaluation
2. Schuman
3. Gay

می‌شود آیا هدف‌های مورد نظر تحقق یافته‌اند یا در حال تحقق یافتن هستند و به چه میزانی؟ (سیف، ۱۳۷۵). «استفیل بیم»<sup>۱</sup> ارزشیابی را فرآیند تعیین، گردآوری و فراهم آوردن اطلاعات لازم برای قضاوت درباره گزینه‌های تصمیم‌گیری می‌داند. فائو (۱۹۹۸) ارزشیابی را فرآیندی عملی تعریف کرده است که به چگونگی ارزیابی هدف‌ها، پیشرفت برنامه، عمل مشارکت‌کنندگان و تأثیر آن بر بهره‌برداران هدف می‌پردازد. به طور کلی ارزشیابی فرآیندی کاربردی بوده که مفهومی انعطاف‌پذیر، متنوع و بسیار گسترده دارد و برای شناخت گوناگونی و پیچیدگی‌های زمینه آن باید در چارچوب موقعیت عمل کرد. بسیاری از مفاهیم ادبیات ارزشیابی بر پایه برنامه‌ریزی آموزشی و اجتماعی و متمرکز بر مفاهیم اثربخشی و کارایی می‌باشد و در این راستا تنها در حالت عمومی عمل می‌کنند. بنابراین لازم است با فراهم کردن دیدگاهی از ترکیب اصول و رویکردهای ارزشیابی، زمینه ارزشیابی نتایج برنامه‌ها و پروژه‌ها را در موقعیت‌های ویژه توسعه بخشید.

### مقایسه ارزشیابی با نظارت، اندازه‌گیری در آزمون

«نظارت» بررسی مستمر و کنترل دوره‌ای جریان پیشرفت برنامه برای پی بردن به تطبیق روال و روند اجرای پروژه با استانداردهای مورد نظر برنامه است؛ در حالی که «ارزشیابی» قضاوت در مورد ارزش فعالیت با توجه به برخی معیارهای از پیش تعیین شده می‌باشد (حجازی، ۱۳۷۳).

«سرنا و تی‌بینگ»<sup>۳</sup> نظارت را مشاهده و جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر، پیرامون نحوه استفاده طرح، روشن کردن فعالیت‌های طرح، پیدایش به موقع ستانده‌های طرح و شرایطی که برای اجرای مؤثر طرح، لازم و مهم هستند، می‌دانند (محمدقلی‌نیا، ۱۳۷۷). «شهبازی»<sup>۴</sup> به نقل از سوانسون مفاهیم نظارت و ارزشیابی را به ترتیب منطبق با «ارزشیابی مرحله‌ای» و «ارزشیابی جامع» می‌داند. بدین ترتیب ارزشیابی مرحله‌ای یا تکوینی در واقع نوعی «نظارت سازمان‌یافته» مشتمل بر جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل آثار و پیامدهای عملی برنامه در خلال اجرای آن درصدد شناسایی و رفع نقایص برنامه می‌باشد (شهبازی، ۱۳۷۵). گی (۱۹۹۱) «اندازه‌گیری»<sup>۴</sup> را فرآیندی تعریف می‌کند که مشخص می‌سازد یک شخص یا یک چیز چه مقدار از یک ویژگی برخوردار است. «اندازه‌گیری» زیربنای اکثر فعالیت‌های ارزشیابی است که برای تعیین کمیت صفات کمی از آن استفاده می‌گردد (حجازی ۱۳۷۳). در اندازه‌گیری هیچ‌گونه داوری یا قضاوتی درباره نتایج حاصل انجام نمی‌گیرد، در حالیکه «ارزشیابی» قضاوت درباره ارزش فعالیت‌ها و نتایج است. «آزمون»<sup>۵</sup> یکی از ابزار اندازه‌گیری است که ویژگی‌های روانی یا تربیتی یک فرد یا گروهی از افراد را می‌آزماید. «آزمون»، ویژگی یا صفتی را مستقیماً اندازه‌گیری نمی‌کند، بلکه تنها نمونه‌ای از رفتار بالفعل را اندازه‌گیری می‌نماید. به طور کلی آزمون یکی از وسایل اندازه‌گیری است و مفهوم آن از مفهوم ارزشیابی محدودتر

1. Daniel stuffel beam
2. Schuman
3. Cernea & tepping
4. Measurement
5. Testing

است (سیف، ۱۳۷۵).

### ضرورت و اهمیت ارزشیابی

هدف ارزشیابی، آگاهی به عوامل پیشرفت دهنده تحولات و تعمیم آن در سایر زمینه های مربوطه از یک طرف و شناسایی علل و عوامل محدودکننده یا موانع به منظور حذف برنامه های آینده از طرف دیگر می باشد (ملک محمدی، ۱۳۷۷). ارزشیابی می تواند به عنوان یک فرآیند پویا و ویژه در مقیاس کمی و کیفی عمل کند و بهره برداران مختلف به صورت فعال در آن شرکت داشته و از نتایج آن سود حاصل نمایند. گی (۱۹۹۱) در باب ضرورت و اهمیت ارزشیابی معتقد است تنها مقصود و منظور ارزشیابی، تعیین میزان تفاوت میان وضعیت موجود و وضعیت مطلوب (هدف های مورد انتظار) می باشد، اگر ضرورت یابد مقدمات رفع تفاوت ها و یا حداقل کم کردن درجه تفاوت ها از جانب تصمیم گیران فراهم شود.

ارزشیابی جهت اینکه به دستاوردهای معتبر منجر شود و بتواند با اطمینان براساس دستاوردهای حاصله تصمیم گیری های عقلایی را به انجام رساند لازم است که از یک فرآیند نظام یافته پیروی نماید و به عبارتی دیگر روش مند باشد. این امر مستلزم پایبندی به یکسری اصول، روش ها و مراحل منطقی است. با توجه به این مهم، بر پایه سیری که در ادبیات ارزشیابی به عمل آمده است، رعایت اصول و رویکردهای زیر در جریان طراحی، پیشبرد و بهره گیری از دستاوردهای حاصله از طریق سازوکارهای بازخوردی ضروری به نظر می رسد:

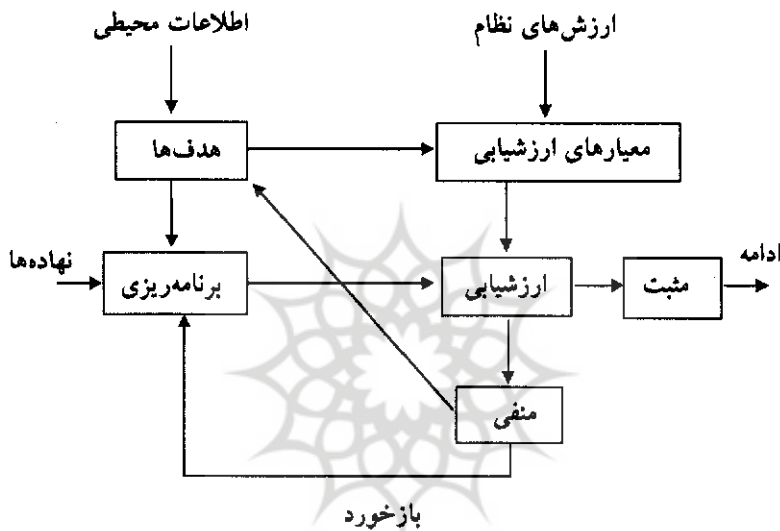
- ۱- در نظر گرفتن ارزشیابی به مثابه یک فرآیند چرخه ای بازگوکننده شامل حلقه های بازخورد به خود برنامه
- ۲- داشتن ظرفیت برای زمینه و موضوع ویژه و انعطاف پذیر بودن
- ۳- داشتن ظرفیت برای استفاده از مقیاس های کمی و کیفی
- ۴- استفاده از بهره برداران و مشارکت کنندگان گوناگون
- ۵- استفاده از نتایج حاصله برای جهت بخشیدن به فعالیت های آتی
- ۶- پی ریزی مبانی صحیح برای پیشبرد فعالیت ها
- ۷- روشن کردن جزئیات فعالیت در هر سطح
- ۸- ایجاد اعتماد و اطمینان در طراحان و مجریان برنامه و بهبود روحیه کارکنان
- ۹- فراهم سازی و ارایه یک تصویر واقعی از وضعیت و پدیده مورد ارزشیابی بر پایه تهیه و پردازش آمار و اطلاعات معتبر
- ۱۰- کمک به طراحی مجدد طرح های موجود و تدوین طرح های جدید (قلی نیا، ۱۳۷۷).

### جایگاه ارزشیابی در فرآیند برنامه ریزی

"ارزشیابی و برنامه ریزی" دو کارکرد غیرقابل معجزا در مدیریت هستند، به طوری که ارزشیابی همراه با تفکر شروع برنامه آغاز می شود و در تمامی مراحل مختلف برنامه طراحی و اجرا ادامه می یابد؛ به عبارتی از طریق ارزشیابی، اطلاعات لازم در مورد اثرات تصمیمات و

فعالیت های برنامه به نظام برنامه ریزی جهت اصلاح و بهبود منتقل می شود. از آنجا که در برنامه ریزی ترویجی با نظام تصمیم گیری سر و کار داریم همانند سازمان ها و ارگان ها که نظام هایی هدف جو هستند باید به مدل تصمیم گیری زیر توجه شود :

### مدل شماره (۱) - الگوی نمایای جایگاه مؤلفه ارزشیابی در فرآیند برنامه ریزی و تصمیم گیری سازمانی



در این مدل چهار رکن اصلی وجود دارد: به این ترتیب که از اطلاعات محیطی (ویژگی ها، مسایل و مشکلات و ...) هدف ها به دست می آیند که جهت دهنده رفتار آن نظام هستند. این هدف ها بسته به درجه خود مختاری یک نظام توسط آن نظام کلی تر تبیین می شوند. بر مبنای این اهداف، برنامه ریزی صورت می گیرد که در واقع اجرای روش هایی برای رسیدن به همان اهداف است. معیارهای ارزشیابی به طور مستقل جهت اندازه گیری نتایج فعالیت ها با توجه به اهداف برنامه طراحی می شوند که بر پایه ارزش های نظام و هدف ها استوارند در ارزشیابی، ارزش، اهمیت و همچنین میزان تحقق اهداف برنامه ارزیابی می گردد و معین می شود که تا چه اندازه سازمان یا برنامه به فعالیت های مورد نظرش رسیده است. نتیجه ای که از ارزشیابی به دست می آید مثبت یا منفی است. اگر نتیجه مثبت باشد، برنامه به مرحله دوم راه پیدا می کند و اگر منفی، برنامه متوقف شده و بسته به موقعیت بازخورد بوجود می آید؛ بدین معنی که باید به برنامه ریزی برگشته و نحوه اجرای برنامه تجدید نظر شود و یا به هدف ها برگشت داده شود و هدف ها مورد بررسی و در صورت لزوم تجدیدنظر شود.



در طرح ریزی ارزشیابی باید یکسری شرایط و موارد را رعایت کرد که از جمله می توان به متعهد بودن مسئولین و طراحان ارزشیابی به ارزشیابی، مبنای قرار دادن راهنمایی در فرآیند ارزشیابی، جامع و مفید بودن طرح، مشارکت ذینفعان، جمع آوری و نگهداری نظام مند اطلاعات مورد نیاز اشاره نمود. پس از رعایت شرایط مزبور لازم است تا مراحل طرح ریزی که شامل تعیین واحد ارزشیابی، تعیین حدود و وسعت ارزشیابی، تعیین دیدگاه ارزشیابی و تعیین مدارک لازم برای ارزشیابی را اجرا کرد.

### دسته بندی ارزشیابی های آموزشی - ترویجی در قالب رویکردهای مختلف

از آنجا که اساساً ترویج کشاورزی به عنوان یک فعالیت آموزشی غیر رسمی در سطح جامعه مطرح است، بیشتر به عملکرد روند آموزشی - اجتماعی آن توجه می شود. نسبت به مطالعاتی که در زمینه ارزشیابی صورت گرفته است دیدگاه های گوناگونی وجود دارد. "ورتن و سندرز" (۱۹۸۷) تمامی رویکردهای ارزشیابی آموزشی را به شش دسته تقسیم کرده اند و سپس الگوهای مختلف ارزشیابی را با توجه به این شش دسته رویکرد گروه بندی نموده اند (سیف، ۱۳۷۵).

**رویکرد مبتنی بر هدف:** در این رویکرد، هدف های کلی<sup>۱</sup> و هدف های ویژه<sup>۲</sup> برنامه مورد توجه قرار می گیرد و فرآیند ارزشیابی به دنبال این است که مشخص کند برنامه تا چه اندازه توانسته به این اهداف دست یابد. نتایج حاصل از این نوع ارزشیابی برای اصلاح و تجدید نظر در اهداف و یا فعالیت ها و روش هایی که برای تحقق این اهداف در نظر گرفته شده است، به کار می رود.

**رویکرد مبتنی بر مدیریت:** این رهیافت به عنوان یک رویکرد نظام دار مطرح شده است که هدف آن تشخیص و تحقق بخشیدن به نیازهای اطلاعات مدیران است. در این رویکرد، درون داده ها، فرآیندها و برون داده های برنامه بررسی می شود. و نتایج حاصل از آن در اختیار مدیران و تصمیم گیران برنامه قرار می گیرد.

**رویکرد مبتنی بر مصرف کننده:** در رویکرد مبتنی بر مصرف کننده، نتایج کلی و بازده که مورد نظر مخاطبان و مصرف کنندگان برنامه است، ارزیابی می شود؛ به عبارت دیگر رویکرد مبتنی بر مصرف کننده ارزشیابی برابر است با تعیین میزان مطلوب بودن نتایج و پیامدهای برنامه. "ورتن و سندرز" (۱۹۸۷) معتقدند رویکرد ارزشیابی مبتنی بر مصرف کننده و الگوی ارزشیابی برخاسته از آن عمده تاً برای کمک به مصرف کنندگان در انتخاب بهترین محصولات موجود در بازار فراهم آمده اند.

**رویکرد مبتنی بر نظر متخصصان:** در این رویکرد اثربخشی مؤسسات، برنامه ها و فعالیت های آموزشی - ترویجی توسط متخصصان و کارشناسان فنی ارزیابی می شود. در این رهیافت ساختارها،

1. Stake holders

2. Objective - oriented

3. Goals

4. Objective

5. Management - oriented

6. Consumer - oriented

7. Expertise-oriented

معیارها و فواصل زمانی ارزشیابی توسط متخصصان بررسی می شود و چگونگی تأثیر نتایج برنامه بر موقعیت و پایگاه افرادی که به طور تخصصی مورد ارزشیابی قرار می گیرند مورد سنجش واقع می شود (ورتن و سندرز، ۱۹۸۷).

**رویکرد مبتنی بر اختلاف نظر متخصصان:** ارزشیابی مبتنی بر اختلاف نظر متخصصان مجموعه ای از فعالیت های مختلف ارزشیاب است که ذاتاً با هم تفاوت دارند. در حالی که بیشتر رویکردهای ارزشیابی می کوشند تا سوگیری ها را کاهش دهند، رویکرد مبتنی بر اختلاف نظر متخصصان امیدوار است که با دخالت دادن نظرهای مثبت و منفی در ارزشیابی سوگیری ها را متعادل سازد و از این طریق عدالت را برقرار نماید (ورتن و سندرز، ۱۹۷۸).

**رویکرد طبیعت گرایانه و مبتنی بر مشارکت کنندگان:** این رویکرد نسبتاً جدید در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ مطرح شد که بر پایه روش های پژوهش و بررسی دقیق و کنترل شده آزمایشی مبتنی بر مشاهدات طبیعی است. از سوی دیگر کسانی که در موضوع مورد ارزشیابی شرکت دارند به تعیین ارزش ها، ملاک ها، نیازها و داده های ارزشیابی می پردازند.

### الگوهای ارزشیابی منطبق با رویکرد مبتنی بر هدف

تایلر (۱۹۳۰) و پرووس (۱۹۷۳). هر یک الگوهایی مطابق با این رویکرد ارائه کرده اند "تایلر" معتقد است ارزشیابی، فرآیند تعیین میزان تغییرات مدنظر در الگوهای رفتاری یادگیرندگان به وسیله تجارب یادگیری و فعالیت های آموزشی تنظیم شده است؛ و اگر نتیجه ارزشیابی، تفاوت بین عملکرد و هدف ها را نشان دهد، باید نواقص برطرف گردند و بار دیگر ارزشیابی انجام گیرد. تایلر در الگوی ارزشیابی خود هفت مرحله را بیان کرده است:

- ۱- تعیین هدف های کلی و ویژه
- ۲- طبقه بندی هدف ها
- ۳- بیان هدف ها به صورت هدف های رفتاری و عملیاتی
- ۴- یافتن موقعیت هایی جهت دستیابی به اهداف
- ۵- تهیه روش ها و فنون و ابزار اندازه گیری و جمع آوری داده ها
- ۶- گردآوری داده های مربوط به عملکرد
- ۷- مقایسه داده های مربوط به عملکرد با هدف های رفتاری و عملیاتی

مالکوم پرووس (۱۹۷۳) به الگوی ارزشیابی اختلاف اشاره کرده است و ارزشیابی را هنر توصیف اختلاف بین انتظارات از یک برنامه و وضعیت حاصل از اجرای آن می داند. که این اختلاف در طرح، استقرار، فراگرد بکار برده شده در اجرای برنامه، عملکرد و هزینه برنامه می باشد. لازم است تا ارزشیابان معیارهای خود را با معیارها و شاخص های مجریان و

طراحان برنامه منطبق سازند تا بدین وسیله بتوان با شناسایی صحیح تفاوت ها بازخورد مستمری از ارزشیابی به دست آورد (سیف، ۱۳۷۵).

### الگوهای ارزشیابی منطبق با رویکرد مبتنی بر مدیریت

استافیل بیم و گوبا (۱۹۷۱) هدف از ارزشیابی را فراهم آوردن اطلاعات مناسب برای تصمیم گیرندگان و مدیران پروژه ها و برنامه ها می دانند. بر این اساس وی یک فرآیند چهار مرحله ای را جهت ارزشیابی برنامه ها مطرح کرده است :

**ارزشیابی زمینه:** هدف از این نوع ارزشیابی شناسایی محیطی است که برنامه در آن پیاده می شود و همچنین کوشش های تحلیل گرایانه ای برای شناخت مشکلات، نیازها و موانعی است که بر سر راه اجرای برنامه وجود دارد. به طور خلاصه این مرحله از ارزشیابی به تصمیم گیری در زمینه طراحی و تعیین اهداف برنامه کمک می نماید. روش های ارزشیابی از زمینه عمدتاً توصیفی و مقایسه ای هستند.

**ارزشیابی درون داد:** در ارزشیابی درون داد منابع لازم و راه حل های مختلف مانند پرسنل، امکانات و بودجه جهت رسیدن به هدف ها مشخص می گردد. با توجه به اطلاعات حاصله از این ارزشیابی و اهداف تعیین شده در ارزشیابی زمینه لازم جهت انتخاب، انطباق و یا در صورت ضرورت طراحی یک برنامه فراهم می شود.

**ارزشیابی برون داد:** در این نوع ارزشیابی، تعیین میزان حصول به اهداف، مدنظر است که با انجام سه نوع ارزشیابی، یعنی تکوینی (در حین اجرای برنامه)، تراکمی (در پایان اجرای برنامه) و ارزشیابی پی گیری (مدتی بعد از طی دوره برنامه)، می توان مقدار دستیابی به اهداف برنامه را تعیین نمود. پس از بررسی کامل نتایج، اطلاعات لازم در اختیار تصمیم گیرندگان گذاشته می شود تا در صورت لزوم درباره ادامه برنامه، متوقف ساختن آن یا تجدیدنظر در آن تصمیمی اتخاذ کنند.

**ارزشیابی فرآیند:** هدف این نوع ارزشیابی، پیش بینی و یا تشخیص کمبودها و اشکالاتی است که در جریان اجرای برنامه وجود دارد. این نوع ارزشیابی باید مداوم صورت گیرد و منابع احتمالی را که سبب شکست برنامه می شود، معین نمود. با شناخت موانع و تغییرات ضروری برنامه، شیوه ها و تصمیم گیری های اجرایی، کنترل و هدایت می شود (استافیل بیم، ۱۹۷۱).

"استافیل بیم" مراحل ارزشیابی سیپ را با انواع ارزشیابی مرحله ای و نهایی مقایسه کرده است و ارتباطی را بین آن دو قائل شده است. این ارتباط در جدول شماره یک ذکر گردیده است. در این جدول هر یک از مراحل ارزشیابی زمینه درون داد،

1. Context evaluation
2. Input evaluation
3. Product evaluation
4. Process evaluation



فرآیند و برون داد به طور جداگانه با انواع ارزشیابی مرحله ای و نهایی مقایسه و تحلیل شده است.

جدول ۱- ارتباط انواع ارزشیابی با نقش های ارزشیابی مرحله ای و نهایی

ارزشیابی مرحله ای: کاربرد اطلاعات فرآیند سهپ در تصمیم گیری و اطمینان از کیفیت	راهنمایی جهت شناختن مداخله گیری های مورد نیاز و انتخاب و تنظیم اهداف بر پایه نیازها، مشکلات سرمایه و فرصت های ارزیابی شده	راهنمایی برای انتخاب یک برنامه یا دیگر راهبردها و اختصاص منابع برنامه ها که توسط آزمایش برنامه دلیال می شود.	راهنمایی برای اجرای برنامه کاربر بر پایه نظرات و قضاوت نماینده ها و بازخورد ارزشیابی های دوره ای	راهنمایی جهت ادامه اصلاح، تطبیق و یا اتمام تلاش ها بر پایه ارزشیابی بازدهها و اثرات برنامه
ارزشیابی نهایی: استفاده از اطلاعات قبلی فرآیند سهپ جهت جمع آوری شاخصی و ارزش برنامه	مقایسه اهداف و اولویتها برای ارزشیابی نیازها، مشکلات، دارایی ها، و فرصت ها	مقایسه راهبرد برنامه، طرح و بودجه برای رقابت اقتصادی و هدف مند کردن نیازهای بهره بردارین	توصیف کامل از فرآیند والی و ثبت هزینه ها مقایسه فرآیندها و هزینه های طراحی شده واقعی	مقایسه نتایج و اثرات جهت هدف مند کردن نیازها و عملی کردن نتایج از مقایسه برنامه ها، تفسیر نتایج بر خلاف فرآیندهای ارزشیابی، نهاده ها، زمینه و ...

منبع : Stuffle Beam 2001

**الگوی ارزشیابی یوسی ال ای:** این الگو توسط مروین سی. ال کین (۱۹۶۹) مطرح شده است و عبارت است از فرآیند تعیین انواع تصمیماتی که باید اتخاذ شوند و نیز انتخاب، گردآوری و تحلیل اطلاعات مورد نیاز برای اخذ این تصمیمات و گزارش کردن این اطلاعات به تصمیم گیرندگان (سیف، ۳۷۵). این الگو بسیار شبیه مدل سهپ است با این تفاوت که معادل ارزشیابی فرآیند سهپ، فرآیند تغییر آمده است. این مدل شامل پنج نوع ارزشیابی سنجش نظام، طراحی برنامه، اجرای برنامه، بهسازی برنامه و تصدیق برنامه است.

**الگوهای ارزشیابی منطبق با رویکرد مبتنی بر مصرف کننده**

در بعضی مواقع لازم نیست تنها اهداف برنامه مورد ارزیابی قرار گیرند. پاتن (۱۹۸۹) معتقد است که اغلب مدل های ارزشیابی مبتنی بر هدف، ارزشیابی را محدود می سازند. این موضوع توسط بارنتل و بوهر (۱۹۹۳) نیز بیان شده است که معتقدند پایه های اساسی ارزشیابی هایی با اهداف از قبل تعیین شده، ارزش های چندگانه و معیارهایی برای تحلیل ها است (پاتن ۱۹۸۹). در حالی که ارزشیابی فارغ از هدف بیشتر از یک فرآیند عمل می کند و به جای توجه به چگونگی انجام اهداف،

چگونگی کسب نتایج و پیامد از برنامه مورد بررسی قرار می گیرد. اسکریون (۱۹۷۸) مطابق با این رویکرد، الگوی ارزشیابی هدف آزاد را مطرح ساخت. این نوع ارزشیابی با اثرات واقعی برنامه سر و کار دارد تا با اثرات مورد انتظار. در الگوی هدف آزاد، دیدگاه ارزشیابی به هدف های تعیین شده محدود نشده، بلکه علاوه بر هدف هایی که از قبل مشخص شده است، سایر نتایج به دست آمده و همچنین نتایج جنبی را مدنظر قرار می دهد (محمد قلی نیا ۱۳۷۷). "اسکریون" ارزشیابی هدف آزاد را به عنوان جانشینی برای ارزشیابی مبتنی بر هدف پیشنهاد نداده است، بلکه آن را مکمل ارزشیابی مبتنی بر هدف می داند (سیف، ۱۳۷۵).

### الگوهای ارزشیابی منطبق با رویکرد مبتنی بر نظر متخصصان

ورتن و سندرز (۱۹۸۷) الگوهای ارزشیابی برخاسته از نظر متخصصان را در چهار طبقه زیر دسته بندی کرده اند:

۱- نظام های بررسی تخصصی رسمی

۲- نظام های بررسی غیر رسمی

۳- بررسی توسط جلسات میزگرد ویژه

۴- بررسی توسط افراد ویژه.

در این چهار نوع ارزشیابی، ساختار، معیار، فواصل زمانی، متخصصان و نتایج ارزشیابی بررسی می شود.

### الگوهای ارزشیابی منطبق با رویکرد طبیعت گرایانه و مبتنی بر مشارکت کنندگان

یکی از معروف ترین الگوهای ارزشیابی برخاسته از رویکرد طبیعت گرایانه و مبتنی بر مشارکت کنندگان رویکرد رابرت ای. استیک (۱۹۶۷) بنام الگوی سیمایی است. در این الگو، مزایا و معایب برنامه توسط سه نوع اطلاعات شرایط پیشین، تبادل و نتایج مورد قضاوت قرار می گیرد. در این الگوی ارزشیابی بر دو عمل اساسی ارزشیابی یعنی توصیف و داوری تأکید می شود؛ در مرحله توصیف اقدام به بررسی وضعیت می شود و در مرحله قضاوت یادآوری با توجه به داده های جمع آوری شده، قضاوت ارزشی صورت می گیرد. الگوی دیگری که مطابق با این رویکرد مطرح شده است الگوی "ارزشیابی مشارکتی" است که توسط پائولو فریره ارائه شده است. در این الگو کلیه دست اندرکاران و فراگیران در فرآیند ارزشیابی به عنوان ارزشیاب بکار گرفته می شوند و به همین دلیل نه تنها یک ارزشیابی صورت می گیرد بلکه یک فرآیند آموزشی و تجربه اندوزی نیز مطرح می شود و به این ترتیب مباحث فلسفی انسان گرایی و احترام به انسان را مدنظر قرار می دهد. در این الگو، داده های جمع آوری شده در خلال نظارت، زمینه را برای تجزیه و تحلیل ارزشیابی که درباره ارزیابی اثرات پروژه بر بهره برداران مدنظر می باشد فراهم می کند (ورتن و سندرز، ۱۹۹۷).

### ارزشیابی برنامه های ترویج

توسعه و ترویج روستایی، به ویژه در کشورهای جهان سوم، اساسی ترین حرکت مستمر

هر یک از دولت‌ها برای توسعه منابع انسانی در جهت تکامل و تعالی انسان‌هایی است که به عنوان مؤثرترین اقشار یک جامعه، کار تولید، آن هم از منابع هر کشور، و در شرایطی پیچیده و دشوار را برعهده دارند. برای تحقق این آرمان، دولت‌ها، علی‌رغم کمیابی منابع در دسترس خود، همه‌ساله بخش عمده‌ای از امکانات و اعتبارات و تسهیلات ملی را به برنامه‌های ترویج و توسعه روستایی تخصیص می‌دهند، با این امید که ارزش افزوده آن، منتج به افزایش بهره‌وری نیروی انسانی شاغل در بخش روستایی کشورهايشان شود. روش‌های آموزشی و عملیاتی مورد استفاده در تحقق آرمان‌ها و اهداف انسان‌ساز ترویج، مشتمل بر تمامی شیوه‌ها، روش‌ها و تدابیر متداول در نظام‌های رسمی و غیر رسمی آموزش است (شهبازی، ۱۳۷۵). مجموع و ماحصل این فعالیت‌های آموزشی در نظام ترویجی افزایش کارایی و مهارت روستاییان است که میزان پیشرفت آن بر حسب میزان پذیرش پدیده‌های نوین و کاربرد روش‌ها و مهارت‌های تعلیم داده شده به آنان، از طریق تغییر در عملکرد کار و تولید آنان و در جریان رفع مشکلات و معضلات مربوط در صحنه واقعی عمل، مورد ارزشیابی واقع می‌شود (حجازی، ۱۳۷۳). ریورا<sup>۱</sup> (۱۹۸۳) و همکاران، سطوح نتایج برنامه که در ارزشیابی برنامه‌های ترویجی باید مورد توجه قرار گیرد را به صورت زیر تعریف نموده‌اند:

**نتایج آموزشی:** این نتایج شامل تغییر در دانش، رفتار، فنون و آرمان‌های (KASA) ارباب رجوع‌ها می‌باشد.

**نتایج عملی:** این نتایج الگوهای رفتار، اعمال یا عملکرد ارباب رجوع را در برمی‌گیرد که از نتایج آموزشی سرچشمه گرفته است.

**نتایج نهایی:** این نتایج دربرگیرنده پیامدها یا تأثیرات نتایج عملی یا نتایج آموزشی مبتنی بر برنامه می‌باشد (محسنی، ۱۳۸۳).

جیگینز<sup>۲</sup> (۱۹۹۷) معتقد است با وجود اینکه انجمن‌های توسعه تمایل دارند تا نقش ارزشیابی ترویجی را به عنوان یک فعالیت خطی در یک سرمایه محدود بررسی کنند، مشارکت کنندگان در امر توسعه، نظارت، ارزشیابی و اثر را به عنوان یک کد روشن‌کننده و ادواری می‌دانند. دیدگاه‌های گوناگونی در زمینه ارزشیابی برنامه‌های ترویجی وجود دارد، اما آنچه که باید مدنظر قرار داد کیفی بودن متغیرها و اهداف می‌باشد. به دلیل اینکه معمولاً بازتاب فعالیت‌های آموزشی غیر رسمی ترویج در کوتاه‌مدت محسوس نیست، ارزشیابی آنها از دیدگاه‌های ترویجی مورد توجه قرار می‌گیرد و گذر از مرحله تغییر بیشتر مدنظر است و کمتر به بازتاب اقتصادی دستاوردها توجه می‌شود. پاتن<sup>۳</sup> اعتقاد دارد که بر حسب مصلحت باید هم از روش‌های کیفی و هم از کمی استفاده کرد و هم‌زمان به تقویت برنامه، دستیابی به اهداف برنامه و ارزشیابی فرآیند برنامه توجه داشت (محسنی، ۱۳۸۳). برای توسعه چارچوب ارزشیابی برنامه‌های ترویجی لازم است تا درک

1. Rivera
2. Knowledge, Attitude, Skill and Aspiration
3. Jiggins

اساسی از فرآیندهای پروژه برنامه ریزی و ارزشیابی وجود داشته باشد. "بیتز"<sup>۱</sup> معتقد است که فرآیند ارزشیابی ترویج یک فرآیند در حال اجرا<sup>۲</sup> است که همراه و هم راستا با خود جوامع روستایی است. به این ترتیب که کمیته های روستایی با تشکیل جلسات جامعه محور که جهت بررسی منابع موجود برگزار می شود، در واقع به طور پایه ای، یک گروه ارزشیابی کننده ادواری خود انعکاسی تشکیل می دهند و به همین دلیل لازم است تا جوامع بیشتر با فرآیندها و تکنیک های ارزشیابی و مهارت های مؤثر و ویژه آشنا شده تا بتوانند یک ارزشیابی محلی و خودجوش از برنامه های ترویجی و توسعه ای روستا داشته باشند.

مفهوم اصلی در ارزشیابی برنامه ترویجی تفاوت بین ستانده ها و پیامدها است. "پیامدها"<sup>۳</sup> در واقع نتیجه اهداف برنامه است که توسط هدف اصلی سرمایه گذاری ائتلافی معین می گردد (نلسن، ۱۹۹۹). که شامل متغیرهایی مانند اصلاح و بهبود سودبخشی کشاورزی، افزایش در اثر بخشی نظام های کشاورزی، افزایش کیفیت محیطی و کاهش ضایعات زارعین می باشد. منظور از ستانده، فعالیت ها و تلاش های برنامه برای فراهم کردن نتایج و پیامد است (نلسن ۱۹۹۹)؛ که شامل متغیرهایی چون جلسات آموزشی برگزار شده، تعداد مشارکت کنندگان آموزش دیده، تعداد جمعیت توسعه یافته و یا زارعین ملاقات شده است.

مأموران تغییر همانند آموزشگران ترویج پیامدها را به طور مستقیم از ستانده برنامه ریزی و به طور غیرمستقیم از طریق شبکه های آموزشی، راهنمایی بین شخصی که در سیستم های اجتماعی وجود دارد بررسی و هدایت می کنند.

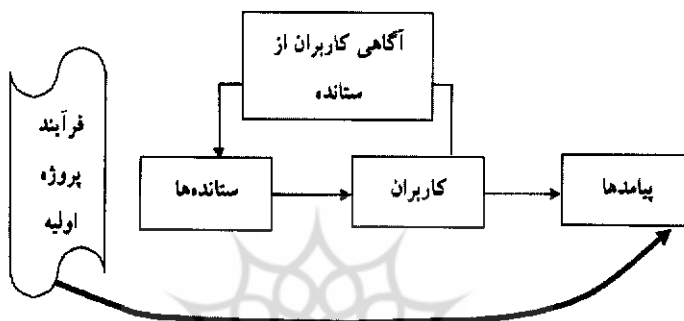
برنامه از طریق مشارکت با ارباب رجوعان که نیروی بالقوه ای برای افزایش اثرات فعالیت های آموزشی - ترویجی محسوب می شوند اطلاعات مورد نیاز خود را به دست می آورد (راجرز، ۱۹۹۸). به همین دلیل، برنامه ریزی ترویجی می تواند از طریق برنامه ریزی ستانده، به طور مستقیم، پیامدها و نتایج را گسترش بخشد. اطلاعات ستانده می تواند به زمینه سازی داده های نتایج از طریق توضیح نقش برنامه در کسب این نتایج کمک کند (USGAO, 1996).

یک دیدگاه در زمینه ارزشیابی برنامه ترویجی، مدل اساسی جریان خطی است. این مدل شامل سه مفهوم اصلی ستانده ها، کاربران و پیامدها است. خطوط مابین این مفاهیم، فرآیندهای انتقال و کاربرد را نشان می دهد. ستانده ها در واقع تولیدات محسوس مرحله اول فعالیت های پروژه می باشد که برای کاربران و جوامع ویژه بکار می رود و کاربران، جامعه و یا فردی را شامل می شود که ستانده ها برای آنها طرح ریزی می شود و کاربر

1. Beitz
2. On-going
3. Out come
4. Output
5. Result

ممکن است این ستانده را استفاده کرده و در تغییرات آشکار شود. کاربرد ستانده، پیامد است و در واقع ارزشیابی، شامل تعیین اینکه آیا کاربر ستانده را به دست آورده یا نه و یا ستانده را برای دستیابی به پیامد استفاده کرده است یا نه، می باشد. زمانی که این مکانیسم های پروژه (انتقال، دریافت، کاربرد و تغییر) انجام شود، نتیجه تغییر می تواند جهت تعیین اینکه این تغییر مطابق با اهداف تعیین شده است یا نه، مورد بررسی قرار گیرد.

### مدل شماره ۲ - ارتباط بین اجزای شاکله پروژه (۱۱)



فرآیند پروژه اولیه ممکن است منجر به تغییر شود

اداره بررسی عمومی ایالت متحده این پیامد<sup>۱</sup> را به دو دسته تقسیم کرده است: پیامد نهایی و پیامد حد واسط. "پیامد نهایی"<sup>۲</sup> آنهایی هستند که دستاورد هدف اصلی سرمایه گذاری ائتلافی را ارائه می کنند (USGAO, 1998). به عنوان مثال: کاهش سطح آلودگی آب توسط عملیات زراعی و پیامدهایی که منجر به این پیامد و نتیجه نهایی می شوند، همانند فعالیت های مدیریتی تعاونی کود توسط زارعین، تحت عنوان پیامدهای "حد واسط"<sup>۳</sup> شناخته می شوند. اگر تحقیق یک ارتباط قوی بین پیامدهای نهایی و واسطه ای برقرار کند، اندازه گیری پیامدهای واسطه ای به تنهایی می تواند برای ضرورت ها و نیازهای ترویج مورد استفاده قرار گیرد (USGAO, 1998). ارزشیابی برنامه های ترویجی در ایران تاکنون به صورت مدون و نظام یافته صورت نگرفته است و معمولاً به صورت گزارش های عملکرد و ارزیابی وضع موجود، تعیین اثرات برنامه های ترویجی و هزینه فایده آنها و یا صرفاً یک نظر سنجی بوده و به علل عدم موفقیت برنامه های اجرا شده پرداخته اند (محسنی، ۱۳۸۳). دانشگاه ویسکانسین مدلی تحت عنوان "مدل منطقی"<sup>۴</sup> برای ارزیابی برنامه های ترویجی طراحی کرده است. ریشه این مدل از سطوح چهارگانه ارزشیابی کرک پاتریک<sup>۵</sup> (۱۹۵۹) و سطوح هفت گانه بنت<sup>۶</sup> (۱۹۷۵) نشأت می گیرد (هافمن، ۲۰۰۴).

1. Outcome
2. Ultimate outcome
3. Intermediate outcomes

4. Logic model
5. Kirkpatrick
6. Bennett

مدل شماره (۳) - مدل منطقی ارزشیابی (Huffman, ۲۰۰۱)

نتایج - نتایج	ستاندها			میان مدت	طولانی مدت
	فعالیتها	کشورهای مشارکت کننده	فعالیتها		
موفقیتهای اجتماعی اقتصادی شهروندی محیطی	انگیزش	یادگیری دانش دیدگاه	کوششها	فعالیتها	موانع
توسعه های مورد نیاز برای سرمایه گذاری	برگزاری کارگاههای آموزشی	مشارکت کنندگان	مخاطبان	فعالیتها	موانع
نیروی انسانی داوطلبان منابع مالی دستاوردهای تحقیقاتی تجهیزات فن آوری	برگزاری جلسات ارائه خدمات توسعه تولیدات کار با رسانه ها	ارباب رجوعها انجمنها تصمیم گیران	اقدامات اجرایی	فعالیتها	موانع

مدل منطقی ارزشیابی نوع پیامد را معین می سازد. یادگیری، فعالیت، شرایط اندازه گیری یادگیری توسط پیش آزمون و پس آزمون مشارکت کنندگان می تواند به عنوان پیامد واسطه ای مورد توجه قرار گیرد. داده هایی که چگونگی تبدیل این یادگیری به فعالیت را توصیف می کنند با ارزش هستند (هولتن، ۱۹۹۶). پیامدهای فعالیت شامل تغییر در رفتار و پذیرش فعالیت هایی است که در یادگیری باید بدان توجه شود. نتایج فعالیت به طور عمومی نتایج حد واسطه را ارائه می دهد که اهداف مرتبط با هدف نهایی را آشکار می سازد. طبقه بندی غیرپیامدی مدل منطقی شامل نهاده ها، ستانده های فعالیت، ستانده های مشارکت، عوامل خارجی و فرضیات است. نهاده های منابع برای حمایت فعالیت های یادگیری سرمایه گذاری شده است (بنت، ۱۹۷۵).

تدوین و بکارگیری رهیافتی برای فراارزشیابی نهایی

برای اینکه تصمیم گیران بتوانند از اطلاعات و نتایج به دست آمده از ارزشیابی استفاده کنند لازم است تا ارزشیابی مقتضی طراحی شود. برای ژرفاسنجی رهیافت فراارزشیابی پیشنهاد شده است (استافیل بیم، ۲۰۰۱ و راجرز ۱۹۹۹).

استافیل بیم (۲۰۰۱) فراارزشیابی را اینگونه تعریف کرده است :

فرآیند ترسیم، فراهم کردن و کاربرد اطلاعات توصیفی و قضاوتی درباره سودمندی، امکان سنجی، تناسب و دقت طبیعت نظام مند ارزشیابی، کفایت رهبری، صداقت، احترام و مسئولیت اجتماعی به عنوان رهنمودی برای ارزشیابان و یا گزارش نقاط قوت و ضعف فرآیند ارزشیابی است. منظور از سودمندی ارزشیابی این است که آیا فرآیند ارزشیابی توانسته است اطلاعات کاربردی که مطابق با نیازهای مخاطبان است فراهم کند. "امکان سنجی" کارایی و ارزش ارزشیابی را نشان می دهد. "تناسب" این موضوع را بررسی می کند که آیا ارزیاب، ارزشیابی را به صورت اخلاقی انجام داده است و دقت، صحت و ارزشمندی اطلاعات

- |                      |                |
|----------------------|----------------|
| 1. Condition         | 4. Feasibility |
| 2. Meta - evaluation | 5. Property    |
| 3. Utility           | 6. Accuracy    |

تهیه شده توسط ارزشیابی را می‌سنجد. دو نوع فرارزشیابی وجود دارد: مرحله‌ای و نهایی. یک فرارزشیابی مرحله‌ای در زمانی که ارزشیابی برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود، صورت می‌گیرد. معیارهای انتخاب این فعالیت ارزشیابی ژرف‌سنج از طریق یافته‌های ارزشیابی شکل می‌گیرد زیرا فرآیند تصمیم‌گیری از طریق طراحی و اجرای ارزشیابی هدایت می‌شود؛ مانند کمیته مشترک استانداردهای ارزیابی آموزشی.

کارکرد فرارزشیابی نهایی همانا انتقادی از ابعاد مختلف فرآیند ارزشیابی به انجام رسیده می‌باشد و به مدد آن، نقاط ضعف و قوت ارزشیابی صورت گرفته مشخص می‌گردد. از این طریق ارزشیابان، ارباب رجوع و مخاطبان، این اطلاعات را پیرامون صحت و سقم ارزشیابی به انجام رسیده بکار می‌برند. ارزشیابی به مثابه یک حرفه است و هر فردی در جایگاه ارزشیاب بایسته است اصول حرفه‌ای خویش را بشناسد و همواره به آنها پایبند باشد. هر چند اجماع نظر جهان شمولى پیرامون رویه‌های ارزشیابی وجود ندارد با این حال مؤسسات معتبری که دست‌اندرکار ارزشیابی می‌باشند تلاش نموده‌اند تا یک سری اصول لازم‌الرعایه برای هدایت حرفه‌ای فرآیند ارزشیابی برشمارند. از این بین، انجمن ارزشیابی آمریکا<sup>۱</sup> (۱۹۹۵)، اصول زیر را به عنوان خط‌مشی‌های حرفه‌ای برای راهنمایی ارزشیابان ارائه نموده است.

- ۱- به طور نظام‌مند و بر پایه اطلاعات دقیق، ارزشیابی را رهبری نمایند؛
- ۲- با توجه به تخصص حرفه‌ای خود فعالیت نمایند؛
- ۳- بر پایه تعهد و اخلاق حرفه‌ای همواره سعی در بازنمایی حقایق داشته باشند؛
- ۴- شأن و مقام و امنیت مشارکت مردم را در ارزشیابی مدنظر قرار دهند (استافیل بیم ۲۰۰۱، اوون و راجرز، ۱۹۹۹).

### چه کسی باید فرارزشیابی را رهبری کند؟

تمامی محققینی که در این زمینه کار کرده‌اند، معتقدند همه ارزیابان و گروه‌های ارزشیابی باید دانش، توانایی‌ها، مهارت‌ها و تجارب مربوط به ارزشیابی را بیاموزند. این محققین ارزیابان را به دو دسته ارزیابان بیرونی و ارزیابان درونی تقسیم کرده‌اند. ارزیابان بیرونی در خارج از مسئولیت سازمانی هستند؛ در حالی که ارزیابان درونی مطابق با اهداف سازمان عمل کرده و ابزار ارزشیابی را برای بهبود اصول آن فراهم می‌کنند. کامینگ<sup>۲</sup> (۱۹۹۹)، بیان می‌کند، اعتبار و هدفمندی، بزرگترین تفاوتی است که بین ارزیابان درونی و بیرونی وجود دارد. اگر ارزیابان بیرونی، خارج از سازمان، مسئول ارزشیابی به صورت هدفمند باشند، معتبر خواهند بود ارزیابان درونی، اعتبار و موقعیت خود را از طریق داشتن سابقه کار در سازمان و انجام ارزشیابی‌های بی‌دری در طول اجرای پروژه در سازمان ذیربط به دست می‌آورند.

اوون و راجرز (۱۹۹۹) اظهار داشتند ارتباط بین هدفمندی و اعتبار، پایه ای برای فرارزشیابی نهایی توسط ارزشیابان بیرونی است؛ در حالی که وادزورت<sup>۳</sup> (۱۹۹۷) معتقد است هدفمندی، پایه اشتباهی برای اعتبار ارزشیابان بیرونی است. از دیدگاه وی ارزشیابان بیرونی دیدگاه های تازه ای دارند و همین امر قدرت پایه ای آنها را می سازد و بیان می کند که ارزشیابان درونی می توانند به پرسش های مخاطبان که بر پایه دیدگاه ها، ایده ها، ادراک و فعالیت های آنها است، پاسخ دهد. اسکالک<sup>۴</sup> (۱۹۹۵) معتقد است ارزشیابان می توانند اعتبار خود را نسبت به ارباب رجوع از طریق یادگیری مراحل برنامه ریزی، مشارکت با ارباب رجوع و مخاطب و داشتن صلاحیت و صداقت در کار ایجاد کنند. با توجه به دیدگاه های صاحب نظران در این رابطه، این امر حائز اهمیت است که برای صحت ارزشیابی های برنامه های انجام شده لازم است تا هر دو گروه ارزشیابان درونی و بیرونی در این امر مشارکت داشته و از اطلاعات و دیدگاه های ذینفعان برنامه نیز استفاده کنند.

### یک ارزشیاب به چه میزان باید فرا ارزشیابی را رهبری نماید؟

بیم (۲۰۰۱) یک "روش شناسی عمومی" به شرح زیر برای رهبری فرارزشیابی ارائه کرده است:

- تعیین تیم فرا ارزشیابی چند رشته ای
- تعیین مهارت های مورد نیاز رهبری
- داشتن یک قرارداد کتبی با مخاطبان ارزشیابی
- ارتباط متقابل با ذینفعان<sup>۵</sup> اولیه و ثانویه ارزشیابی
- انتشار یافته های ارزشیابی

#### نوشتن قرارداد

قراردادها و پیمان هایی که بین گروه ارزشیابی و ذینفعان برنامه بسته می شود در واقع درک واضحی از قسمت های مختلف فرایند ایجاد می کند؛ از این طریق می توان متون ارزیابی بودجه، چارچوب زمانی، منابع در دسترس و ... را معین ساخت.

#### ارتباط متقابل با ذینفعان برنامه

از آنجا که ذینفعان و ارباب رجوع ارزشیابی از یافته های فرآیند ارزیابی استفاده می کند باید مجریان ارزشیابی، آموزش لازم را برای درک و کاربرد بهتر یافته ها و ایجاد زمینه کار جهت استفاده و تشویق کاربرد هدفمند در اختیار مخاطبین ارزشیابی قرار دهند.

#### مدیریت داده ها

پرسش های کلیدی : رابطه دوطرفه ای بین پرسش های کلیدی و معیارهای انتخابی وجود

3. Wadsworth
4. Schalock
5. Stake holders



دارد. گاهی اوقات یک سؤال کلیدی منجر به یک معیار می شود و گاهی اوقات بالعکس. استافیل بیم (۲۰۰۱) بیان می کند که سؤالات کلیدی باید بر پایه معیارهایی باشد که بتواند قضاوت کند یا ارزشیابی ژرف و عمیق است؟ یک سؤال کلیدی استاندارد این است که آیا ارزیابان همه مخاطبان را شناسایی می کنند و یا توسط ارزشیابی تحت تأثیر قرار می گیرند؟

**انتخاب معیار:** مطابق با طرح استافیل بیم (۲۰۰۱) ارزشیابان باید همراه با ارباب رجوع معیار ارزیابی را انتخاب نمایند. وی معتقد است دلایل انتخاب معیار باید ثبت شود تا مخاطبان بتوانند اصول معیارهای اولویتی و انتخابی را ارزشیابی کنند.

**جمع آوری داده ها:** ارزشیابان برای پاسخ دهی به سؤالات کلیدی، به جمع آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات نیاز دارند. این اطلاعات شامل قراردادها، برنامه های ارزشیابی و گزارش های ارزشیابی است که اگر اطلاعات موجود نیازهای اطلاعاتی مخاطبان را فراهم نکنند باید از مشاهده، مصاحبه و پیمایش برای جمع آوری اطلاعات درباره ارزشیابی استفاده کند.

**تجزیه و تحلیل داده ها و قضاوت در مورد صحت ارزشیابی:** "استافیل بیم" فهرست واریسی بر پایه معیارها برای قضاوت در مورد حدود و وسعت اینکه آیا ارزشیابی استانداردهای عملی را تحت چهار ویژگی سودمندی، امکان سنجی تناسب و دقت فهرست کرده است. در قسمت تجزیه و تحلیل در برابر هر معیار نمره مورد نظر یادداشت می شود و سپس درجه بندی می گردد. این کار باعث می شود تا اعتبار افزایش یابد زیرا ارباب رجوع و مخاطبان می توانند مدارک قضاوت این طرح را مرور کنند.

**گزارش دهی و انتشار:** ارزیابان باید در زمان برنامه ریزی، فرآیند گزارش دهی را نیز مدنظر قرار دهند. علاوه بر گزارش کتبی لازم است تا جلسه حضوری همانند یک کارگاه آموزشی برگزار شود تا بازخوردی از طرح برای مخاطبان انجام شود و در آخر نیز یک نسخه نهایی ارائه شود (تالبیز، ۲۰۰۳).

### نتیجه گیری و پیشنهادها

آنچه از مرور مفاهیم، رویکردها و سویه های مطرح شده در این مقاله می توان به مثابه برگرفته های تلخیص شده به دست آورد، همانا ضرورت تاملی نو به مقوله ارزشیابی به عنوان بخشی از فرآیند و به واقع نظام پویای ترویج کشاورزی است. ارزشیابی، اساسی برای قضاوت در مورد ارزش و اهمیت به وجود می آورد و در واقع داوری آگاهانه ای درباره ارزش کارها، اندیشه ها، راه حل ها و روش ها برای هدفی معین و براساس ملاکی مشخص است.

فرآیند ارزشیابی در مقیاس کمی و کیفی با داشتن ویژگی انعطاف پذیری و بازخورد، می تواند از نتایج حاصله برای جهت بخشیدن به فعالیت های آتی و پی ریزی مبنای صحیح برای پیشبرد فعالیت ها استفاده کند؛ همچنین با بهره گیری از داده ها و اطلاعات مربوط به برنامه، به طراحی مجدد طرح ها و پروژه های موجود و تدوین طرح های جدید کمک کند.

در این راستا ضروری می نماید که دسته بندی های موجود از ارزشیابی براساس معیارهای

صورت گرفته مورد بررسی مجدد قرار گیرد و با شناخت عناصر شاکله هر فرآیند، ارزشیابی و الگوهای نمادین مربوطه از یک سو و ملاحظات موقعیتی خاص هر وضعیت یا واحد سازمانی از سوی دیگر به تدوین و در واقع ساماندهی الگویی انعطاف پذیر و برازنده اقدام گردد. به هر حال لازم است که با عدول از استانداردهای گرای و رویکرد جهان شمول و با پرداختن به عناصری بنیادین همچون مشارکت گرای، انعطاف پذیری و یادگیری توأم با عمل و نیز تکثرگرایی که از سویه های نهادی معاصر منظومه ترویج برمی خیزند و بروز می یابند، ارزشیابی را فراتر از یک اقدام بازرسی مابانه به مثابه یک فرآیند یادگیری مشارکتی متعهدانه توأم با عمل داشت که هدف والای آن تعالی مجموعه و منظومه مربوطه و پویایی بخشی و در نتیجه پایداری نهاد مربوطه از طریق زایش و رسانش بازخوردهای اصلاح گرایانه است.

در هر حال ارزشیابی، به مثابه یک مؤلفه از ترویج کشاورزی می ماند و این پنداشت را می طلبد که ارزشیابی مانند یک زیر سیستم به حساب آید که در تعاملی ناگسستگی با دیگر مؤلفه های نظام ترویج کشاورزی امکان کنشگری هدفمند می یابد. سرانجام بررسی غایت های مورد نظر از ارزشیابی نیازمند شناخت خرده سیستم های این شاکله است. روش شناسی و فرآیند نظام مند ارزشیابی و سیر منطقی گامه های مورد نظر، معیارها و نشانگرهای نمایای مرتبط با موضوع مورد ارزشیابی، ارزشیابان، کنشگران، مخاطبان و چارچوب نهادی و ملاحظات موقعیتی از این دست می باشند.

هر چند خودارزشیابی به لحاظ ماهیت کارکردی غایتی اصلاح گرایانه دارد، با این حال همواره نیاز است که خود فرآیند ارزشیابی مورد بررسی و اصلاح قرار گیرد. فرا ارزشیابی که در این مقاله به فراخور فرصت اجتمالی مورد بحث قرار گرفت، علاوه بر اینکه می تواند به مثابه چارچوب و سویه ای جدید و به واقع روش شناسی مطالعات ارزشیابی هم وزن و همتای فراکاوای در روش شناسی های پژوهشی به حساب آید، زمینه ای را برای بازنگری، بازاندیشی و اصلاح و در نتیجه تعالی فرآیند ارزشیابی فراهم می آورد. با توجه به مباحث پیش آمده و نیز اهمیت جایگاه ارزشیابی در پیشبرد کارا و اثربخش برنامه های ترویجی، پیشنهاد های زیر جهت بهسازی جایگاه ارزشیابی و بهره گیری مقتضی از دستاوردهای حاصله ارایه می شود:

- آشناسازی نظام یافته کارشناسان ترویج کشاورزی و مروجان با مبانی، رهیافت ها و روش های مناسب ارزشیابی برنامه های ترویج کشاورزی در حیطه های مربوطه؛
- طراحی و استقرار نظام جامع ارزشیابی ترویج کشاورزی توأم با طراحی شبکه مدیریت و اطلاعات ارزشیابی ترویج کشاورزی کشور؛
- تلفیق نوآوری های الگویی و روش شناختی صورت گرفته در زمینه ارزشیابی در فرآیند ارزشیابی برنامه های ترویجی؛

- بهبود بهینه قوای فارغ التحصیلان رشته های ترویج کشاورزی با اختصاص جایگاه بهتر برای ارزشیابی ترویج در برنامه های آموزشی ترویج کشاورزی توأم با بازنگری و نوسازی محتوای ارایه شده؛

- مشارکت دهی کشاورزان و مخاطبان در ارزشیابی برنامه‌های ترویجی با بهره‌گیری از رهیافت‌های ارزشیابی مشارکتی؛
- بهبود نگرش کنشگران نظام ترویج کشاورزی نسبت به مقوله ارزشیابی به عنوان عاملی جهت بهبود و اصلاح و یادگیری و نه به عنوان عامل جهت بازخواست، کنترل و تهدید محتمل؛
- در نظر گرفتن ارزشیابی به مثابه مؤلفه‌ای جدانشدنی از فرآیند برنامه‌ریزی ترویجی هم در سطوح سازمانی و هم در بعد میدانی و ارائه خدمات ترویجی؛
- تدوین نشانگرهای نمایا<sup>۱</sup> برای ارزشیابی برنامه‌های ترویجی در ابعاد مختلف و توسعه شاخص‌های مناسب برای ارزشیابی خدمات ترویج کشاورزی جهت شفاف‌سازی، مستندسازی و مستدل‌سازی روند ارزشیابی؛
- ترویج خودسنجی<sup>۲</sup> و ارزیابی درونی در واحدهای سازمانی ترویج کشاورزی به منظور ارتقای آگاهی کنشگران از وضعیت فردی، گروهی و سازمانی مربوطه به منظور اصلاح روند فعالیت‌ها و برنامه‌های ترویج کشاورزی؛
- تدبیر سازوکارهایی برای بازخوران دستاوردهای ارزشیابی‌های ترویجی<sup>۳</sup> در روند برنامه‌ریزی‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های مدیریتی؛
- انجام ارزشیابی‌های مستمر از روند ارزشیابی‌های ترویجی جهت اصلاح، هدایت و بهسازی فرایندهای ارزشیابی برنامه‌های ترویجی در قالب رویکرد فراارزشیابی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

1. representative indicators
2. self-assessment
3. evaluation feedback mechanisms

منابع

- ۱- سیف، علی اکبر (۱۳۷۵). روش های اندازه گیری و ارزشیابی آموزشی. تهران: نشر دوران.
- ۲- حجازی، یوسف (۱۳۷۳) درآمدی بر ارزشیابی فعالیت های آموزشی - ترویجی، تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی.
- ۳- شهبازی، اسماعیل (۱۳۷۵). توسعه و ترویج روستایی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴- محمدقلی نیا، جواد (۱۳۷۷). آشنایی با الگوهای ارزشیابی قابل استفاده در ترویج و آموزش کشاورزی، ماهنامه علمی جهاد، صص (۳۶-۴۶).
- ۵- ملک محمدی، ایرج (۱۳۷۷). ترویج و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی جلد اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۶- محسنی، احمد (۱۳۸۳). بررسی روش های ارزشیابی برنامه های ترویجی به منظور دستیابی به یک مدل مناسب، پژوهش و سازندگی، شماره ۶۵، صص (۱۶-۲۴).
- 7- Bennet. C. F. (1975). Up the hierarchy journal of extension [ion line], B(2). Available at : [http://www.joe.org/joe/1975\\_bMarch/index.html](http://www.joe.org/joe/1975_bMarch/index.html).
- 8- Gay, L.R. (1991). Educational evaluation and measurement (۲nd) Maxwell Macmillan, international.
- 9- Houlton, E.F. (1996). The flowed four-level evaluation model. human resource development quarterly. 7.
- 10- Hofman, Bill and Grabowski (2004). smith lever3(0 Extension Evaluation and out come Reporting - A scorecard to Assist Federal program leader at: <http://www.edu/ces/pdande/copy right>
- 11- What is evaluation? <http://www.iisd.org/casl guid / defeval/html>.
- 12- Kirkpatrick, P. I. (1998). Evaluation training programs (2nd). Sanfrancisco : Berrett-koebler
- 13- Nelson, D.E. (1999). Generic observations with regard to the 2000-2004 plans of work. may,2002 from : <http://www.reeusda.gov/part/areera/generic/htmlj>
- 14- Owen J.M. and Rogers P.J. (1999). program Evaluation: Forms of Approaches. 2nd edition, st Leonard, NSW : Allen and unwind
- 15- Patton, M. Q. (1998). Extension structure: Beyond technology transfer. Knowledge, 1, (4, june) pp.(22-24).
- 16- Rivera, W. M., Benet, CF and Walker, S.M (1983). Designing studies of extension program results vol. 1-text Washington, DC : extension service, U.S.D.A
- 17- Rogers, E.M. (1998). Diffusion of innovations (4 th ed). New York: the free press.